

شهرزاد در صوفی ۱۳۵ و ۱۳۶

۱۳۳

چستان

سیاسی
اجتماعی
علمی
ادبی
هنری

سال بیست و یکم، شماره ۱۰
شماره ردیف ۲۱۰، تیر ۸۳
ماهانه ۴۸ صفحه، ۱۱۰۰۰ ریال



هنر: علی محمد پور

- جایگاه انسان در شاهنامه
- چنین گفت خیام، چنین گفت حافظ
- حماسه‌ی عمو هو
- مارش پیروزی دین بین فو
- چه گوارا جوانان

ویژه جوانان

۱- خورشید در آینه‌ی دریا

آنان که رفتند
آنان که ماندند
آنان که می آیند و می آیند از این پس
سیل روان

تابی کران، تابی کرانی،

جز آنچه من دیدم

بسی دیدند و بینند

از روز و شب‌ها،

از زمین، از زندگانی

*

هر صبحدم

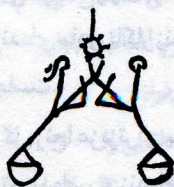
با تابش خورشید و آوای شباهنگ،

بی‌ما و با ما روز آغازین دنیاست.

برخیز و بنگر

مهتاب در آینه‌ی دریا،

چه زیباست!



۲- نجوا با خودم

اگر پروانه‌ای،

پروانگی کن

به رقص آور پزند بال و پیر را

اگر قوی جوانِ جلوه جویی

میان موج‌ها،

دیوانگی کن

و گر مرغی و آب و دانه خواهی

سرافشانی،

چو مرغ خانگی کن

عقابی گر بر اوج کوهساران

گذر کن قله‌های دورتر را.

هر آن نقشی که از خود آفرینی

به طرحی تازه،

بالاگیر سر را

تو در آینه‌ای،

آینه نشکن

فراز خویشتن

فرزانگی کن.

۳- شوقِ شکفتن

شادا بهار و شوق شکفتن
آواز مرغ عشق شنفتن
دیری سخن ز عشق نگفتم
تا دیرتر نگشته

گفتن و

گفتن

یاگاه و گه چو آهوی کوهی
بر سنگ و سبزه خوردن و
خفتن.

این دشمن هماره‌ی انسان
غم را

به پشت کوه نهفتن.

غرق جوانه‌ی جان و جهانم
شادا بهار و شوقِ شکفتن.



بهنام

به مناسبت «روز اول ماه مه» سروده شد

گل رنج

به یاد مادرم «سلیمه اندرواژ» و
تقدیم به همه‌ی مادران زحمتکش

در کشت‌زارهای پنبه

در ضربه‌های مُدام «هوکا» در مسیر کار

در بوته‌های سبزه‌نشا

- در هر بهار -

در ساقه‌های طلایی گندم

داسِ درو

در روسری‌های گلگونِ ترکمن

و

کتولی‌های دلنواز یار

تو

زنده‌ای مادر، تا کار زنده است.

در بوی تند و زمخت و سرد توتون

- در محیط کار

در زخمِ پشت پُر ز هیمه

سر

پر

- ز -

بار

در ضجه‌های کودکِ نحیفِ مادران کار

تو زنده‌ای مادر، تا کار زنده است

در خشمِ مادرانِ گرد

در چشمِ پُر ز آبِ شوهرانِ پیر

در

راه

رهايي فرزند در زنجیر

تو زنده‌ای مادر، تا کار زنده است.

تا گردش جهان به جاست.

گل رنج! عزیزترین مادر!

تو زنده‌ای، تو زنده‌ای

تا

تقدّس پیکار زنده است.